تسکین درد و چگونگی عملکرد داروهای مسکن در طب سنتی ایران

نفیسه حسینی یکتا [الف]، امید صادقپور [ب] *

[الف] گروه طب سنتی، دانشکده پزشکی، دانشگاه شاهد،تهران

[ب] استادیار گروه گیاهان دارویی وطب سنتی، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی تهران

چکیده

احساس درد از علایم اولیه بسیاری از بیماریها می‌باشد و شایعترین شکایتی است که باعث مراجعه بیمار به پزشک می‌گردد و از دیرباز حکما در فکر تسکین قطعی و سریع آن بوده‌اند. در این مطالعه مکانیسم‌های ایجاد درد از دیدگاه طب سنتی ایران اعم از سوء مزاج مختلف و تفرق اتصال طبقه بندی گردیده و داروهای مسکن نیز براساس چگونگی تسکین درد، به دو دسته حقیقی که باعث از بین رفتن سبب درد و درمان قطعی می‌شوند وغیر حقیقی که با دو مکانیسم ترطیب و سکرآوری و تخدیرکه باعث تسکین موقت درد می‌گردند،تقسیم می‌شوند. جایگاه و روش مصرف این داروها با توجّه به شدت درد و میزان توانایی بیمار و عضو درگیر مشخص می‌گردد.

به نظر می‌رسد با شناخت دقیق سبب اصلی ایجاد کننده درد و مسکنهای واقعی جهت درمان دردهای موجود در اعضا مختلف می‌توان در میزان مصرف مسکنها و مخدرهایی که امروزه به اشکال مختلف خوراکی و تزریقی به صورت گسترده مورد مصرف می‌باشند، کاهش چشمگیری ایجاد کرد.

واژگان کلیدی: درد، مسکن،مخدر، ابن سینا، طب سنتی ایران

تاریخ دریافت: تیر ۹۱
تاریخ پذیرش: شهریور ۹۱

مقدمه:

هربیماری‌که با شکایت از درد در ناحیه‌ای از بدن به پزشک مراجعه می‌کند اولین توقع و چشم‌داشتی که از روند درمان خود دارد تسکین هر چه سریعتر و مداومتر دردش می‌باشد. توجه به آمار بالای مصرف مسکنهای خوراکی و تزریقی جهت درمان دردهای موجود در اعضای مختلف از دردهای گذرا همچون برخی سردردها گرفته تا دردهایی که به صورت طاقت‌فرسا در گروهی از بیماران سرطانی باعث آزار روح و روان آنها می‌گردد، اهمیت پرداختن به این گروه از داروها و تأثیرات و مکانیسم‌های عملکردی آنها را آشکار می‌کند.

در این مطالعه سعی شده است به بررسی چگونگی کارکرد مسکنها و مخدرها از دیدگاه طب سنتی پرداخته شود و جهت تبیین بهتر و فهم عمیقتر موضوع این مقاله به دو بخش تقسیم شده است که بخش اول به بررسی مکانیسم ایجاد درد و اسباب ایجاد درد از منظر طب سنتی ایران می‌پردازد و در بخش دوم به تشریح چیستی مسکن‌ها و چگونگی تأثیر آنها در تسکین دردها در این مکتب درمانی پرداخته می‌شود.

یافته‌ها:

۱-مکانیسم‌های ایجاد درد:

جهت بررسی و تبیین عملکرد مسکنها و مخدرها در بهبود درد در ابتدا در مورد چگونگی ایجاد درد از دیدگاه طب سنتی ایران و بررسی نقطه نظرات حکما در این باب مطالبی ذکر

* فرد مسئول مکاتبات: tndic@tums.ac.ir

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

خواهد شد و در راستای این امر عملکرد داروهای مختلف در تسکین درد مورد بحث قرار خواهد گرفت.

درد در حقیقت یک احساس منافی و ناخوشایند برای بدن است و در متون طب سنتی در مقابل لذت قرار دارد. در واقع درد حالتی است که عارض انسان شده و او را از درک لذات باز می‌دارد. به طور کلی اسباب ایجادکننده درد شامل سوء مزاج مختلف و تفرق اتصال می‌شود(۱،۳،۱۱).

۱-۱سوء مزاج مختلف: به سوء مزاجی گفته می‌شود که در اثر عارض شدن یک مزاج غریبه به صورت آنی بر جوهر عضو عارض می‌شود این مزاج غریبه باعث تغییر در مزاج جوهری عضو می‌شود و باعث سردتر شدن و یا گرمتر شدن عضو از حالت طبیعی می‌گردد و حالت آزاردهنده‌ای که حاصل از تضاد بین مزاج اصلی عضو و مزاج وارد شده بر آنست به صورت درد توسط قوه حس درک می‌شود این نوع سوء مزاج نقطه مقابل سوء مزاج متفّق است،در سوء مزاج متفّق که مزاج عارض شده به صورت تدریجی جوهر عضو را تحت تأثیر قرار داده و باعث ابطال مزاج اصلی میگردد. در حقیقت مزاج عارض شده جای مزاج جوهری عضو را می‌گیرد و حس از پدید آمدن آن آگاه نمی باشد و درکی از درد ندارد(۱،۱۱) .

همان‌طور که توضیح داده شده احساس درد در اثر تضاد بین مزاج اصلی عضو و مزاج عارض شده بر آن ایجاد می‌شود، مثلاً فردی که وارد حمام می‌شود وقتی ناگهان وارد آب گرم شود احساس گرمای زیادی می‌کند ولی همین فرد وقتی در حمام بماند و حرارت حمام و آب گرم روی او اثر کند اگر آبی با همان دمای آب اول روی او ریخته شود ممکن است اصلاً احساس نکند چون مزاج عضو گرم شده است و احساس گرمای عارض شده نمایان نمی شود زیرا تضادی بین مزاج عارض شده و مزاج عضو احساس نمی شود. (۱)

۱-۲تفرّق اتصال: تفرق به معنی پراکندگی واتصال به معنی پیوستگی می‌باشد. در متون، این ترکیب به معنای عام به هر گونه گسستگی که در هر یک از اعضای مفرد یا مرکب ایجاد شود اطلاق می‌گرددکه با توجه به وسعت و محل قرار گیری آن به طور خاص به نامهای مختلف نامگذاری می‌شوند(٤،۱۲).

برخی حکما از جمله جالینوس و علی بن عباس اهوازی بر این نظر هستند که سوء مزاجها اگر باعث ایجاد درد می‌شوند به خاطر تفرق اتصالی است که ایجاد می‌کنند و برای سوء مزاج در ایجاد درد جایگاهی قائل نیستند. حال آنکه شیخ‌الرّییس و پیروانش تأکید ویژه‌ای بر سوء مزاجهای مختلف به عنوان یک عامل مهم در ایجاد درد دارند و وجود درد درعضوی که تفرق اتصال ندارد را دلیل آن می‌دانند(۱،۲).

از سوی دیگر برخی بر این باورندکه تفرق اتصال بدون وجود سوء مزاج باعث درد نمی‌تواند بشود(۱۸).

البته لازم به ذکر است تمام انواع سوء مزاجهای مختلف باعث ایجاد درد نمی‌شود. سوء مزاجهای حاصل ازکیفیات فاعلی یعنی گرمی و سردی، از نوع مادّی وساده بالذّات باعث درد می‌شوند.وقتی عضو حساس از این دو متأثر می‌شود درد که انفعال است حاصل می‌شود و علاوه بر این تفرق اتصال نیز موجب درد می‌شود. چگونگی ایجاد تفرق اتصال درسوء مزاج نوع مادی واضح است زیرا به واسطه وجود ماده،گسستگی پیوندها ایجاد می‌گردد، امّا درنوع سادهٔ گرم از آنجا که گرما باعث تخلخل و جدا شدن جوهر رطب از یابس شده و باعث تصعید رطب و رسوب کردن یابس می‌گردد می‌تواندباعث تفرق اتصال شود. سوءمزاج سرد ساده با ایجاد قبض و تکثیف باعث کشیده شدن اجزا از طرفی به طرف دیگر می‌گردد و درنتیجه تفرق اتصال حاصل می‌گردد. ولی در مورد دو کیفیت منفعل یعنی خشکی و تری باید گفت سوء مزاجتر وخشک، بالذّات و به خودی خود باعث ایجاد درد نمی‌شوند چون کیفیت‌های منفعل هستند و نمی‌توانند موجب صدور فعل باشند، ولی هر دو این کیفیات با تفرق اتصال میتواند سبب ایجاد درد باشد. البته همان‌طور که در بالا ذکر شد چگونگی ایجاد تفرّق در سوء مزاج خشک و تر مادی واضح است و اما در نوع سادهٔ خشک نیز به علت ایجاد قبضی که در اثرخشکی ایجاد می‌شود، تفرق اتصال حاصل می‌گردد، باید اضافه کرد که ایجاد قبض و جمع شدگی در اثر یبوست بالذّات نیست بلکه به واسطه فقدان رطوبت موجود در خلل عضو می‌باشد، همان‌طور که در گِل بعد از خشک شدن دیده می‌شود و اما در مورد سوء مزاجتر از آنجا که مقصود از کیفیت تری، کیفیتی

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

است که موجب سهولت قبول اشکال می‌شود، سوء مزاجتر نمی‌تواند منشأ تفرق اتصال باشد.بنابراین هرگاه سوء مزاجتر مادی باشد، می‌تواند درد ایجاد کند و این به علت ایجاد تفرق اتصال ناشی از ماده است، در حالی که سوء مزاج تر ساده باعث ایجاد درد نمی‌گردد.(۱۰)

۲-انواع درد:

به هر حال درد در طب سنتی ایران به ۱۵ دسته تقسیم می‌شود که در زیر درباره هر یک توضیح داده می‌شود.

۲-۱ درد خارشی (حکّاک): سبب ایجاد کننده آن خلطی شور یا تند مانند ماده لذاع صفراوی یا ماده بورقی یا سودای لذّاع و یا ترکیبی از اینها می‌باشد. مثال این درد مرضی در سر می‌باشد که حس۱ نامیده می‌شود که بدون وجود درد و سنگینی فرد احساس خارش در سر دارد(۳،٦،۱۳).

۲-۲ درد خشن: سبب این نوع درد خلطی تند می‌باشد مثل وجود ریگ در کلیه، البته درکتاب قانون ازخلط خشن یاخلط با قوام غلیظ دارای مزاج خشک به عنوان سبب آن نام برده می‌شود(۱،۳،۱۸) .

۲-۳ درد خلنده (ناخس): دردی است که در اثر وجود ماده زیاد مانند خلط،ریح یا بخار، غشای عضو از عرض کشیده می‌شود و تفرق اتصال ایجاد می‌کند مانند سردرد خوده۲ (بیضه) صفراوی است(۲،٦،۱۳).

۲-٤ درد کشنده (ممدّد): مسبّب این درد ریح یا خلطی است که عصب و عضله را از طول می‌کشد و مستلزم نقصان و کم شدن در عرض است. و از آنجا که عصب و عضله دارای صلابت کم بوده و طولی قرار می‌گیرند مختص به این اعضا می‌باشد. مثال آن، سردرد خوده ناشی از بخار و ریاح می‌باشد(۳،٦،۱۳،۱۸).

۲-۵ درد فشارنده (ضاغط):هرگاه ماده‌ای زیاد اعم از مواد دارای قوام مثل اخلاط اربعه و یا بی قوام مثل ریح و مائیت دور عضو را فرا بگیرد و جا را برای عضو تنگ کند موجب ایجاد این نوع درد می‌شود(۳،۱۳).

۲-٦ درد از هم پاشنده (مفسّخ): ایجادکننده این نوع درد را ماده میان اجزای عضله و غشاء دانسته اند که آنها را از هم باز می‌کشد. البته برخی اطبا عامل آن را مادّه‌ای می‌دانند که باعث تحلیل عضله و غشاء می‌شود و باعث تفرق اتصال در غشاء و حتی عضله می‌گرددو به عبارتی غشاء و عضله را از هم می‌پاشد(۱،۳).

۲-۷ درد شکننده (مکسّر): ماده یا ریاحی بین استخوان و غشای پوشاننده آن و یا سردی که باعث تکاثف و انقباض شدید غشا می‌شود. مانند آنچه در بیماری ریح الشّوکّه۳ اتفاق می‌افتد(۳،٤،۱۸).

۲-۸ درد سست‌کننده (مرخّی): سبب آن ماده‌ای است در گوشت عضله که به وتر و عصب رسیده و باعث ایجاد یک درد نرم می‌شود وبرخی گویند سبب آن ماده‌ای است که گوشت عضله را می‌کشد بدون درگیری وتر و علت نامگذاری این نوع درد به رخو آن است که گوشت از وتر و عصب و غشاء نرمتر است. مانند استرخای جفن٤ از نوعی که سبب آن رسیدن رطوبت زیاد به عضلات آن می‌باشد(۱،۳،۷،۱۱).

۲-۹ درد سوزنی (ثاقب): ماده یا ریاح زیاد و غلیظ که بین طبقات عضو صلب مثل روده حبس شود و با حرکت دورانی(حرکت دورانی ماده حول محور خود) که دارد باعث درد می‌شودوبه سبب غلیظی ماده وبسیاری آن و تنگی جا دائم آزار می‌رساند و نفوذ می‌کند و فرد احساس می‌کندکه روده‌اش را دائم سوراخ می‌کنند(۱،۱۱،۱۳،۱۸).

۲-۱۰ درد میخی (مسلی): شبیه به درد ثاقب است و تفاوت آن با درد ثاقب در آن است که مسبّب درد در موقع پاره کردن عضو به علت غلظت ماده یا غلظت عضو متوقف می‌شود و حبس‌می‌گردد یعنی‌دردسوزنی و میخی ازنظرماده ومحل شبیه هم هستند وتفاوت آنها درحرکت و سکون ماده است به طوری که در درد سوزنی ماده،عضو را پاره می‌کند و نفوذ می‌کند ولی در درد میخی پاره می‌کند اما نفوذ وجود ندارد (۱،۱۳،۱۸).

۲-۱۱ درد ضربانی: برخی حکما این نوع درد را به سبب آماس گرم و یا سرد، صلب و یا نرم نزدیک شریان ذکر کرده اندو برخی عامل آن را فقط آماس گرم می‌داند. شیخ الرییس در توضیح آن ذکر می‌نماید که ورم سرد چه صلب و چه نرم درد و آزاری ندارد مگر اینکه تغییر کند و گرم شود. اگر ورم گرم باشد و در عضو حساسی قرار گرفته باشد و در نزدیکی آن

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

شریانهایی که دائم در ضربان هستند قرار داشته باشد به علت تنگی جا در اثر ورم ضربان حس می‌شود و اندام به درد می‌آید. مثال این نوع درد، سردرد خوده ناشی از ورم فلغمونی۵ می‌باشد(۱،۳،٦،۱۸).

۲-۱۲ درد ثقلی: آماسی که در عضوی است که عضو حس ندارد و فقط به‌علت آماس معالیق آن کشیده می‌شود و احساس ثقل می‌کند مثل طحال و ریه و یا حس دارد اما شدّت بیماری باعث از بین رفتن حس در آن ناحیه شده است مثل سرطان فم معده و یا سر درد خوده بلغمی، یا خونی و یا سودایی(۱،٦).

۲-۱۳ درد درمانده کننده(اعیا): کند شدن قوه محرکه در آن ایجاد می‌شود که چهار نوع می‌باشد یکی آنکه در اثر خستگی می‌باشد با نام اعیا تعبی، دوم سبب آن خلط ممدد است با نام اعیا تمددی،سوم سبب آن ریاح می‌باشد با نام اعیا نافخ و چهارم آنکه در اثر خلط لاذع است که آن را اعیا قروحی می‌نامند و البته در برخی موارد ترکیب این دردها نیز یافت می‌شود مثل اعیا ورمی که ترکیب دو نوع تمددی و قروحی است (۱،۳،۱۸)

۲-۱٤ دردسوزاننده(لذاع)که در اثر خلط حاد و تیزی ایجاد می‌شودکه درعضو حبس شده ویا از آن رد شود، ایجاد می‌شود مثل حالتی که هنگام خروج اسهال صفرایی در مقعد ایجاد می‌شود و یا سردرد خوده (بیضه) ناشی از ورم جمره٦ (٦،۱۸).

۲-۱۵ درد خدر: این درد یا در اثر مزاج شدیداً سرد است و یا در اثر انسداد منافذ روح حساس که به وسیله عصب به طرف عضو در حال جریان است و یا اینکه در اثر امتلا اوعیه می‌باشد که وقتی از ماده سرد پر شود اعضای مجاور را تخدیر می‌کند. در درد خدر حس مختل می‌شود که کاملاً و یا ناقص درگیر می‌شودولی اگر سبب قوی باشدهمراه با انسداد منفذ قوت حس، منفذ قوت حرکت هم مسدودمی شود البته برخی خدر را مخصوص به نقصان حس می‌دانند کندی دندان‌ها که به ضرس۷ شناخته می‌شود مثالی برای آن می‌باشد(۳،۱٤،۱۸).

۳-اسباب مادّی درد:

همان‌طور که در انواع درد گفته شد، سبب‌های مادی درد شامل اخلاط چهار گانه و ریاح می‌باشد. کیفیت درد ایجاد شده توسط آنها به تفکیک در زیر توضیح داده خواهد شد.

۳-۱ ایجاد درد توسط اخلاط: درد ناشی از اخلاط یا در اثر کیفیت خلط می‌باشد، مثلاً یک خلط شور و یا حریف درد خارشی ایجاد می‌کند و یا یک خلط حاد باعث ایجاد درد لذاع می‌شود و یا در اثر کمیت آن،به طور مثال خلط به علت زیاد بودن باایجاد تمدّد و تفرق اتصال باعث درد می‌گردد، البته گاه ممکن است درد در اثر کمیت و کیفیت هر دو می‌باشد(۱،۳).

۳-۲ ایجاد درد توسط ریاح: ریاح در واقع با ایجاد تفرق اتصال باعث درد می‌شوند. ریاح معمولاً در اعضای حساس ایجاد می‌شود و در اعضا صلب مثل استخوان و یا رخو مثل لحم غددی رخو ایجاد تفرق اتصال نمی‌کند البته گاه ممکن است بعضی ریاح عظیم باعث شکستگی استخوان و خرد شدن آن شوند که در بیماری ریح‌الشوکه دیده می‌شود و این احساس درد در اثر ریح بر خود استخوان نیست بلکه در اثر تحریک اعصاب متصله نزدیک به آن است که فرد حتی از لمس پارچه بر روی بدن احساس درد شدید می‌کند(۳،٤).

با توجه به محلی که ریح در آن وجود داشته باشد نوع دردی که ایجاد می‌شود متفاوت است. ریاح یا در اندامی تو خالی هستند و در جوف اندام جای می‌گیرند مثل معده و باعث دردهای تمددی در آن می‌شوند و یا در میان طبقه‌ها و لیفهای یک عضو هستند مثل قرارگیری آنها در بین لیفهای روده مثل آنچه در قولنج ریحی اتفاق می‌افتد و یا در میان لیفهای عضله‌ها و یا در میان گوشت عضله و غشای آن هستندکه تحلیل ریح موجود در این قسمت سخت ترمی باشد و سرعت پراکندگی و انتشار ریاح به مقدار و قوام آن و همچنین سختی و نرمی اندام بستگی دارد(۱،۳،۱٤).

٤- عملکرد داروهای مسکن:

آنچه مسلم است درد یکی از علایم اصلی و آزاردهنده در بسیاری از بیماریها می‌باشد. بدون شک از دیرباز انسان جهت تسکین دردهای خود از داروهای گیاهی مختلف بهره برده است. داروهای مسکن با مکانیسم‌های مختلف باعث تسکین درد می‌گردند که در این بخش از مقاله به تفصیل به آنها پرداخته می‌شود.

داروی مسکن به دارویی گفته می‌شود که اخلاط و ارواح را از حرکات غیر طبیعی بازمی‌دارد. بدون شک تا زمانی که

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

سبب درد و قوه حس وجود دارد،درد وجـود دارد پـس بـرای تسکین آن حداقل یکی از این دو وجود نداشـته باشـد. تمـامی مسکنها برای تسکین درد یا تبدیل مزاج می‌کنند، یا تحلیل ماده و یاتخدیر عضو و با توجه به چگونگی عملکردشان مـی‌تـوان بـه دو دسـته مسـکن‌هـای حقیقـی و غیـر حقیقـی تقسـیم کرد(۱،۵،۱۸).

٤-۱ مسکنهای حقیقی: درواقـع داروهـایی هسـتند کـه بـه واسطه از بین بردن سبب درد باعث تسکین درد مـی‌گردنـد. و هرچه باعث استفراغ مادهٔ درد شود مانند حقنه در قـولنج و یـا استحمام ومسهلها در دفع اخلاط وهمچنین قی و فصد وامثـال آن در این دسته قرار می‌گیرند.

دسته اصلی داروهایی که در ایـن گـروه قـرار مـی‌گیرنـد، داروهای مرخّی می‌باشند. این داروها در حقیقت مسکنهای بـه رفق هستند وبه آرامی بـا تحلیـل سـبب درد، آن را ریشـه کـن می‌کنند مانندبذر کتان، ضماد شوید، اکلیل الملک، بابونه، تخـم کرفس، بادام تلخ وهرداروی گرمی که در درجـه اول حـرارت قرار دارد (زیرادر داروهای با درجات بالاتر قوه تحلیل بیش از ارخا نمایان می‌گردد). هرچند همراه بـودن تغریـه بـا ارخـا بـه علت ایجاد تلیین در عضو و آمـاده سـازی آن جهـت تحلیـل، باعث تقویت اثر تسکینی دارومی گردد. اما هرگاه در بیماری به استفراغ نیاز باشد باید مرخّیات، بعد از ایجاد اسـتفراغ بـه کـار گرفته شوند تـا در اثـر ارخـاء مـواد بـه سـوی عضـو سـرازیر نشود.البته ابـن رشـد داروهـای مسـهل،قی آور و انجـام فصـد وحقنه را جزء تسکین دهنده‌های حقیقی نمی دانـد بلکـه تنهـا آندسته از داروها را که با ایجاد اثر متضاد بـا سـبب درد باعـث تسکین درد مـی‌گردنـد مسـکن حقیقـی بـه حسـاب مـی‌آورد (۲۱،۱،۱۸،۲۰).

به طور مثال در صداع گرم که می‌توانـد در اثـر یـک سـوء مزاج گرم ساده بدون وجود ماده ایجاد شده باشـد در قـدم اول باید مزاج گرم عارض شده بر دماغ را تعدیل کرد و این امر بـا مصرف روغن گل سرخ خنک شده قابل انجام است. بـالعکس در صداع سرد را که در اثر سوء مزاج سرد ساده باشد با استفاده از ضماد خردل که دارای طبیعت گرم و خشـک اسـت تعـدیل مزاج انجام می‌شود. در این بیماران روغن گـل سـرخ و ضـماد خردل به عنوان یک مسکن واقعی اثر مـی‌کننـد همچنـین اگـر سردرد گرم در اثر تجمع ماده صفرا ایجاد شده است می‌توان با ایجاد استفراغ ماده توسط شاهتره باعث دفع مادهٔ ایجـاد کننـده درد شد. گاهی اوقات سردرد در اثر ریاح ایجاد می‌شود و بیمار دارای درد تمددی است در این موارد به کـار بـردن داروهـایی مانند جندبیدستر‌که باعث پراکنده شدن ریاح می‌گردد، می‌تواند باعث تسکین درد شود. در صداع سرد بلغمی مزمن نیز مصرف غاریقون می‌تواند اخلاط بلغمی ایجاد کننده دردرا از بین ببـرد، یا در دندان دردی که در اثر سردی ایجاد شـده اسـت مصـرف عاقرقرحا و پونه با طبیعت گرم و خشـک باعـث تحلیـل مـاده عامل بیماری می‌شوند(۱).

٤- ۲ مسکنهای غیر حقیقی: داروهایی که به روشی جـز از بین بردن سبب درد، باعث تسکین آن گردد در این دسته جـای می‌گیرند. این مسکنها خود به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف- داروهایی که رطوبـت بخـش و خـواب‌آور هسـتند: خواب با تقویت قـوای طبیعـی سـبب تحلیـل بهتـر مـاده درد می‌شود و از طرفی به علت حرکت ارواح و قوا به بـاطن کلیـه ادراکات از جمله ادراک درد کـم مـی‌شـود. هرگـاه خـواب بـا گرسنگی همراه شود در مـواردی کـه سـبب درد مـادی باشـد، تسکین قویتری ایجاد مـی‌شـود، زیـرا طبیعـت بـه هضـم غـذا مشغول نمی شود وبه مبارزه با مرض می‌پردازد، مانند مصـرف روغن بنفشه و نیلوفر در صداع یبسی۸ (۱،۱٤،۸،۱۸).

ب- داروهایی که مخدر نامیده می‌شوند: این داروها به سـه روش باعث تسکین درد می‌شود ایجادسردی بسیار ویا احداث سمیت در عضو ویا اثر خواب آور، باعث نقصان ویا بطلان قوه مدرک درد می‌شود. این داروها بـا قـوت سـردی و خشـکی و قبض خود اخلاط را منجمد می‌کنند و مسـامها را مـی‌بندنـد و مانع نفوذ روح نفسانی در عضـو مـی‌شـوند و یـا آنکـه باعـث تکاثف روح نفسانی متحرک می‌گردند و حس و حرکت عضـو را کم می‌کنند و علاوه بر روح نفسانی، عضو را سرد می‌نمایند، که این امر می‌تواند بالفعل، با به کار بردن یخ وبرف و آب سرد باشد و یا بالقوه با مصرف افیون. ایجاد سـمیت در عضـو را در افیون و بذرالبنج می‌توان دید.نمونهٔداروهای مخدرکه بـا ایجـاد

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

خـواب درد را سـاکت مـی‌کننـد، بـذرکاهو و خشـخاش می‌باشد(۵،۲۰،۱۸)

از اثر تخـدیری ایـن داروهـا در تسـکین بسـیاری دردهـا استفاده می‌شود، به طور مثال مضمضه با طبیخ لفاح و یا طبـیخ ریشه بنج دانه باعث بهبود درد دندان می‌شود و یا اگر بذر البنج با قطران ساییده شود و در سوراخ دندانی که درد می‌کنـد وارد شود درد آن تسکین می‌یابد(۱).

با اندک دقتی می‌تـوان متوجـه شـد کـه طبیعـت داروهـای مسکن حقیقی می‌تواند گرم و یا سرد باشد منوط به اینکه سبب بیماری چه باشد. حال آنکه مخدرها همواره دارای طبیعت سرد می‌باشند.

۵-جایگاه مصرف مسکنهای غیر حقیقی:

آنچه مسلم است درمان قطعی درد در هر عضو دردناک بـا از بین بردن سبب آن حاصل می‌گردد، بنا بر این بـدیهی اسـت که مصرف مسکنهای حقیقی همواره ارجح می‌باشد. حـال ایـن سوال پیش می‌آید چه زمان دسته دوم مسکنها یعنـی نـوع غیـر حقیقی مورد مصرف پیدا می‌کنـد. همـان‌طورکـه معلـوم اسـت وجود درد به علت مبارزهٔ طبیعـت بـا امـر منـافی و در نتیجـه ضعف طبیعت در تدبیر غذا و نفوذ آن به اعضا می‌تواند باعـث تحلیل قوا گردد و می‌توانـد افعـال را از مجـرای طبیعـی خـود خارج کرده و مختل سازد،تا حـدّی کـه باعـث تشـویش و یـا ممانعت در اعمالی چون تنفس گردد وبه تبع آن تنفس منقطـع، متواتر و یا قطع گردد. درد در ابتدا عضـو دردمنـد را بـه علـت تجمع ماده گرم می‌کند که به نظر می‌رسد این اتفـاق بـه علـت هجوم طبیعت و به دنبـال آن روانـه شـدن مـاده بـه محـل درد می‌باشد، بعد در اثر تحلیل و متواری شدن بخشهایی از روح و حیات، سردی در اندام رخ می‌دهد، به همین منـوال گـاه حتـی اگر درد شدت یابد و معالجه نشود باعـث مـرگ مـی‌شـود.بـه عبارت دیگـر درد شـدید ابتـدا بـدن را سـرد مـی‌کنـد و بعـد می‌لرزاند، به نحـوی کـه در دردهـای شـدید در مراحـل آخـر بیماری بـه علـت سـردی مـزاج و قلّـت روح در اثـر انحـلال حـرارت غریـزی،نبض صـغیر و ضـعیف و بطـیء و متفـاوت می‌شود و سر انجام نبض از بین رفته و مرگ پدید می‌آید. بنابر این گاه لازم است طبیب قبل از آنکـه بـه فکـر درمـان قطعـی بیماری باشد به تسکین سـریع دردبپـردازد.در چنـین مـواردی طبیب باید قوت بیمار را در نظـر گرفتـه و شـدت درد را هـم مدنظر داشته باشد در صورتی که توان بیمار را در حـدی نبینـد که بتواند طول مدت درد را تحمل کند مصرف مسـکنهای غیـر حقیقی کاربرد پیدا می‌کند، تا درد بهبودی یابد و باعث ضـعف قوای بیشتر نگردد، از طرفی درمان درست دربیماریهایی که بـا درد همراه هستند زمانی امکان پذیر است که درد آرام شود زیرا مادام که درد باقی است طبیعت دردمنـد قبـل از آنکـه بـه دارو پاسخ بدهد به درد می‌پردازد(۱۹،۱۸،۱۷،۳،۱)

معمولاً مخدرها هنگامی برای تسکین درد به کار مـی‌رونـد که از بین بردن سبب درد در حین درد، امکان پذیر نباشد و یـا آنکه از بین بردن سبب در ابتدای درمان در اولویت نباشد و یـا اینکه از بین بردن سبب درد نیاز به زمانی داشته باشد که در آن زمان لزومی به درد کشیدن بیمار در اثر این سبب نیسـت. البتـه باید به میزان ضرر این داروها در هر عضو هم دقت کـرد، گـاه مصرف مخدّرها در عضوی چون دندان ضـرری خـاص را بـه همراه ندارد پس می‌توان با خیال آسوده آن را مصرف کرد ولی گاهی با احتیاط باید مورد مصرف قرار گیرند تا آنجا که برخـی اوقات استفاده از مخدرها در از بین بردن درد جایز نمی باشـد مانند ممنوعیت استفاده از آنها در پس سر به دلیل آنکه به ریشه اعصاب آسیب می‌رساند. توصـیه مـی‌شـود زمـانی کـه طبیـب مجبور بـه مصـرف مخـدرها جهـت تسـکین درد مـی‌باشـد از داروهایی مانند خشخاش که با وجـود تخـدیر بـه علـت انـس والفت با طبیعت،کم ضررتر می‌باشند،بیشتر استفاده شـود مگـر آنکه نگران آثار غیر قابل جبران درد بـود کـه در ایـن صـورت می‌توان از مخدّرهای قویتر اسـتفاده کـرد. همچنـین اشـکال و روشهای مصرف داروهای مسکن نیز با توجه به عضوی که در آن مورد استفاده قرار می‌گیرند متفاوت است مثلاً ممکن اسـت مصرف ضماد یک دارو در چشم اثری بهتر از مصرف خوراکی آن داشته باشد و یا بالعکس مصرف یک دارو به صورت سرمه باعث آسیب به چشم شود و نیـاز بـه مصـلح داشـته باشـد در حالی که در مصرف خوراکی آن به علـت عبـور دارو از اعضـا ضرر آن کم می‌شود(۱۸،۱۶،۱۵،۱۴،۱)

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

بحث و نتیجه‌گیری:

همان‌طور که بیان شد از منظر طب سنتی ایران درد با دو مکانیسم در بدن ایجاد می‌شود که شامل سوء مزاج مختلف و تفرق اتصال می‌باشد و سبب ایجاد درد مادی در تمامی انواع آن اخلاط، ریاح و یا هر دو می‌باشند. البته بسته به سبب درد وجایگاه تاثیر آن، درد به ۱۵نوع تقسیم می‌شود.داروهای مسکن هر گاه باعث از بین رفتن قطعی سبب بیماری گردد و ماده بیماری را تحلیل برده و تعدیل مزاج نماید،جزو داروها ی مسکن حقیقی طبقه‌بندی می‌شوند که در حقیقت باعث درمان قطعی درد می‌گردند ولی گاهی اوقات با توجه به شدت درد که بیم تحلیل قوای بیمار، طبیب مجبور است که درد را هر چه سریعتر تخفیف دهد حتی اگر نتواند به طور کامل سبب درد را از بین ببرد، بنابراین از داروهایی با مکانیسم‌های سکرآور و مرطب عضو و یا مخدر را استفاده می‌کندکه تسکین موقّت درد را به همراه دارد در حالی که سبب بیماری هنوز بر جای خود باقی‌مانده است. از سوی دیگر داروهای مسکن حقیقی می‌توانند دارای طبیعت سرد یا گرم باشند در حالی که داروهای مخدر لزوما دارای طبیعت سرد بوده وکه با سرد کردن عضو وروح نفسانی وتکاثف مسام،باعث تسکین درد می‌گردند.

با توجه به آنچه اتز مسکنها گفته شد اکنون به نظر می‌رسد که می‌توان با شناخت بهتر اسباب هربیماری دردزا و آشنایی با مسکنهای حقیقی در جهت ریشه کن کردن آنچه موجب درد می‌گردد و در درمان قطعی بسیاری دردها در اعضا مختلف چشم اندازی جدید ترسیم کرد و تا حد زیادی آمار بالای مصرف مسکنها و مخدرها را که امروزه در قالب داروهای شیمیایی فقط باعث تسکین گذرای دردها می‌شوند، کاهش داد.اثبات این مدعا نیازمند مطالعات بالینی متعدد می‌باشدکه بر روی بیماران دردمند با به کار بردن‌های حقیقی ودر صورت نیاز غیر حقیقی انجام پذیرد. به عبارت دیگر از دیدگاه طب سنتی ایران، مسکنهای حقیقی یا غیر حقیقی یا صناعی، از هر نوعی که باشند بیش از آنکه نوعشان دارای اهمیت باشد درست مصرف کردنشان باید مورد توجه قرار گیرد.

از سوی دیگر با توجه به آمار بالای مبتلایان به دردهای مزمن وگستردگی آن در جوامع مختلف و همچنین شیوع مصرف مسکنهای شیمیایی در این بیماران که در اکثر موارد فقط تسکین گذرای درد را به همراه دارد می‌توان راهکارهای عملیتری از مصرف مسکنهای طبیعی به ویژه حقیقی آنها در پیش رو تصور کرد.

پی نوشت:

۱حس: احساس خارش در سر که بدون درد می‌باشد واز زدن چیز محکم و یا ریختن آب گرم و یا فشردن سر لذّت می‌برد. (ارزانی،محمد اکبر.طب اکبری،چاپ اول،مؤسسه احیاءطب طبیعی،قم،۱۳۸۷،ج.۱، ص:۱٦۱).

۲خوده:سر دردی است که دیر علاج می‌شود ومثل یک کلاه خود تمام سر را می‌گیرد.با کمترین سبب ایجاد می‌شود بیمار از روشنایی متنفر است و درد آن بدون ضربان است.(همان، ص:۲۷).

۳ریح الشوکه:ماده حادی در استخوان جاری شده وباعث شکستگی و فساد استخوان می‌شود. (الهروی، محمدبن یوسف:بحرالجواهر، چاپ اوّل، مؤسسه احیاء طب طبیعی، قم، ۱۳۸۷،ص۱۹۲).

٤استرخای جفن:استرخا به معنی فلج عضوی از بدن (همان، ص:۳۱)وقتی رمد ایجاد شود در پلک بالا افتادگی و فلج پدید می‌آید(طب اکبری،ج.۱، ص:۲۸۲).

۵ورم فلغمونی:ورم غلیظ با نفخ زیادکه مادهٔ آن خون می‌باشدو علامت آن شدّت حرارت ودرد وضربان است(همان،ج.۲، ص:۱۱۲۲).

6جمره :ضایعات پهن روی پوست که متفرق یا مجتمع قرار می‌گیرند و تا عمق گوشت می‌روند و درد آن مانند درد ناشی از گذاشتن پاره‌ای آتش بر روی محل می‌باشد(همان، ج.۲، ص:۱۱۲۵).

۷ضرس:به کندی دندان که از رسیدن ترشی به دندان یا تصور آن ایجاد می‌شود، گفته می‌شود (همان، ج.۲، ص:٤۰۹).

۸صداع یبسی:سردردی است که به دنبال استفراغ‌های زیاد و یا بیبداری‌های مفرط و یا پس از غم فراوان ایجاد می‌شود (همان،ج.۱،ص:۲٤).

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]

REFERENCE:

1. Avicenna H: Canon of Medicine, Institute Alalmy Lemtbuat, Book 1, pp. 166-164 and pp. 313-311. Book II, pp. 250-255 and pp464-466, 2005
2. Ahvazi A: Kamel as-Sinna at-Tibbiat. translation: Khalid Ghaffar, S. Mhmad.book 2, Institute of Islamic Studies, Tehran - University McGee L, page. 208, 1388
3. Jorjani I.: Zakhira Kharazmshahi corrected and annotated:moharrary M., Farhangestan Publisher, Tehran, pp. 267-263, 1380
4. Aghili Khorasa. ni, M.,kholast-al-hekma (1stedn), Ismaeelian Publisher, Tehran. Qom, page. 541, 1385
5. Aghili Khorasani, M makhzan-al- advyeh, corrected: abtahy A, habl-al- Mateen pabl.isher, Qom, pp. 131 and1422
6. Choopany R, Emtiaay M; Tnsaz, M.; Khodadoust, M: diagnosis of diseases inIranian traditional medicine, publishing Frazandysh sabz, Page. 73, 1388
7. Nafis ibn Eyvaz (2008) Sharh al-Asbab va al-Alamat. (1stedn), Jalal Publisher page. 255, Tehran.
8. Shirazi, M:resale-al-afyounieh, editing, and researchchoopany, R.; Sadeghpour, o, Panahi, V., publishing Almaey, Page 147, 1389
9. Naraghi, A: meraj-al-saada, ta zohoor pablisher, page. 33, 1388
10. Nafis ibn Eyvaz (2008) Sharh al-Asbab va al-Alamat translation: Al-Husseini, A., Institute of Historical Studies, Islamic and Complementary Medicine, page. 9, 1389
11. Gorgani I (2005) Al-Igraz Al-Tibbieh and Al-Mabahis al-Alaieh., editing and research: Tajbakhsh, H.,. Institute of the Academy of Science Press Printing, p 141.1384
12. Dehkhoda, AA: Dictionary (CD-ROM), Institute of Tehran University Printing Press, 1371
13. Ubaidullah bin Mahmoud: tohfe Khani, correction: mirtofeil A, Institute of Historical Studies, Islamic and Complementary Medicine, pp. 115-113,1387
14. Arzany M, TebAkbari. C. 0.2. Institute of Natural Ahya'tb, page. 1140, 1387
15. Chashty M, Elixir Azam , Institute of Historical Studies, Islamic and Complementary Medicine, pp. 16, 1387
16. Arzany M:Mofarreh-al-gholoub, Institute of Historical Studies, Islamic and Complementary Medicine, pp. 437, 1383
17. Chashty M, Naier Azam , corrected: Nazim I, Almaey Press, pp. 143, 1389
18. Amoli M : Jame-al -sharhayn, Institute of Historical Studies, Islamic and Complementary Medicine, pp. 578-583 and pp36-49, 1388
19. Kirmani M:Daghayegh-al-alaj, translation: Zya'abrahymy I, , press Kerman book1. Page. 220
20. Khosravi A.: A Guide to Health Drugs, Institute of Historical Studies, Islamic and Complementary Medicine, page. 144, 1386
21. Ibn Rushd: Koliat of medicine correct: Altalby S, Amar B; MAdkUr, E., Institute of Historical Studies, Islamic and Complementary Medicine, page. 124, 1387

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-10]